وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره بیست وهشتم چهارشنبه ۷ جوزا ۱۳۸۲ - ۲۷ ربیع الاول ۱٤۲٤ - 28 May 2003

سرمقاله
کار قانون اساسی شوخی بردار نیست
ص۲

سخن درباب
امنیت ملی و امنیت بین المللی
ص۲

آیا ایران می تواند با القاعده رابطه داشته باشد؟!
ص۷



استاد هنگام سخنرانی در لیسه سلطان غوری درشهر هرات

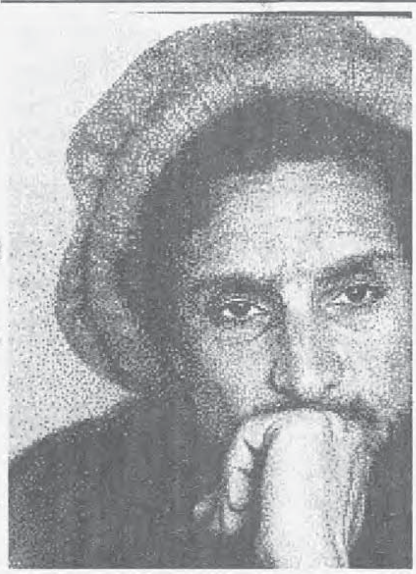
گزارشی از سفر اخیر محترم استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان به ولایات جنوب وجنوب غرب کشور

گام به گام با رهبر در جهت تحکیم و حدت ملی

قسمت دوم

صلی علی محمد رهبرماخوش آمد

وسرانجام به تاریخ۴شنبه ۱۷ثوربعد ازسفر ده ساعته ازطریق زمین، کاروانی که باخود پیام وحدت ودوستی داشت، کاروانی که حلقه وصل میان شمال وجنوب، شرق وغرب کشور بود ودر پیشاپیش آن رهبرجهاد ومقاومت ملی که نیمهٔ عمرشریف خود را درجهت سربلندی وآزادی کشور درمد وجذر حوادث وتوطئه های بیرونی صرف کرده ومردانه باتهدید هاینجه داده است، آرام – آرام به سرزمین باستانی مردم همیشه درصحنه هرات نزدیک می گردید. درمسیر شاهراه قندهار ص۳



قهرمان ملی کشور، شهید احمد شاه مسعود

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت

هفته شهید

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر و مابدلوا تبدیلا»

هموطنان عزیز، برادران وخواهران! حلول هفته شهید به فرد فرد شما مبارک باد!

هفته شهید از ۸ تا ۱۴ جوزا را فرا می گیرد. هفته یی که درطی آن یک صدوپنجاه تن از نخبگان این سرزمین ازاعضای نهضت اسلامی افغانستان به دلیل آزادگی و آزادی خواهی توسط سردمداران رژیم دیکتاتوری پرولتاریا در پیلیگون زندان پلچرخی تیر باران ویا به وسیلهٔ بلدوزر زنده به گور شدند. مجاهدان وآزاده گان این هفته را به پاس سر افرازی این شهیدان و همه شهیدان راه عزت و آزادی افغانستان عزیز به نام هفته شهید می خوانند و شایسته است که در آن به مقام والای آنان ارجگزاری شود.

واژه های شهید وشهادت در قاموس زندگی ملت مسلمان افغانستان واذهان فرزندان آن، از جایگاه و یژه یی برخوردار بوده و ملت ما از بامدادان زندگی اسلامی خویش با این واژه های زیبا آشنایی دارند و ارج بزرگی بر آنها می گذارند.

ملت ما با ایمان وباور به جایگاه شهید و تقدس واژه شهادت ، دربرابر بحران های دین ستیزی و طوفان ها ی بنیانکن عزت وکرامت ملی آماده مقاومت گردیدند وبا ابزار ایمان واراده ، پیروزی خویش را بر قدرت های اهریمنی آتش و آهن مسجل نمودند.

نهضت اسلامی افغانستان با غبار زدایی از فرهنگ والای شهادت که دشمنانش آن را در هاله هایی از شک وابهام مورد اهمال قرار داده و زمزمه گران شیفته آن را به باد استهزاء می گرفتند توانست در کارزار دفاع از حریم دین و غیرت ملی ص۸



شهید پوهاند غلام محمدنیازی موسس نهضت اسلامی افغانستان



شهید انجنیر حبیب الرحمن نخستین منشی جمعیت اسلامی افغانستان



شهید مولوی حبیب الرحمن



شهید عبدالرحیم نیازی



شهید غلام ربانی عطیش



شهید عبدالقادر توانا



شهید سیف الدین نصرت یار

خاطرهٔ جانبازی شهیدان ۸–۱۴جوزای ۱۳۵۸ را گرامی می داریم!

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

کار قانون اساسی شوخی بردار نیست

بر پایهء مفاد موافقت نامهء بن وفیصله های لویه جرگه اضطراری در ۱۲ عقرب سال پار کمیسیون تسوید قانون اساسی به کار آغاز کرد و در طی بیشتر ازپنج ماه کارش را به انجام رسانید.

پس از آن کار تدقیق و بازنگری پیش نویس آماده شده توسط این کمیسیون، به کمیسیونی دیگر به نام کمیسیون تدقیق قانون اساسی واگذار شد. این کمیسیون پس از تأخیری که ظاهراً ناشی از بحث واختلاف بر سرگزینش اعضای آن بود، به تاریخ ٦ ثور اعلام گردید.

این کمیسیون که ۳۵ عضو دارد به امر مهم باز نگری مسودهء قانون اساسی می پردازد. لذا به طبیعت حال اعضای کمیسیون تدقیق آگاه تر به شؤون جامعهء افغانستان و وارد تر به مسائل حقوقی باشند.

هرچند گزینش اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی از آغاز توسط حکومت خالی از اشکال نبود چون قانون اساسی آیندهء افغانستان باید به تمامی بحران ها و مسائل تشنج زای اجتماعی- سیاسی افغانستان نقطه پایان بگذارد و به آن ها پاسخ عدالتمند بدهد و این کار زمانی به گونهء بی شبهه میسر بود که اعضای این کمیسیون نه از سوی حکومت که از سوی نهادی مردمی توظیف می شد و بی تردید آن نهاد همان شورای ملی یا پارلمان زاده از لویه جرگه اضطراری بود که متأسفانه خود در کشاکش درگیری منافع شماری از کشورها و حلقه هایی از داخل مجال ظهور نیافت، لاجرم این وظیفهء پارلمان را به سان وظایف دیگرش نیز حکومت انجام داد.

حکومت همان گونه که در گزینش اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی به ذوق و دلخواه خود عمل کرده بود در گزینش اعضای کمیسیون تدقیق نیز مختار مایشا بوده است.

از آوردن برخی از افراد به این کمیسیون چنان آشکار می گردد که مراد از حضور آنان نه تدقیق و بازنگری قانون بلکه تأمین دیکوراسیون کمیسیون است چون این افراد تا جایی که ما می دانیم نه تنها اندکترین ورودی به مسائل حقوقی به ویژه قانون اساسی ندارند که از سواد لازم نیز بی بهره اند. حال آن که باید چنان که گفته آمد اعضای کمیسیون تدقیق باریک بین تر و وارد تر از اعضای کمیسیون پیشین باشند زیرا اینان کار آنان را مورد بررسی و ارزشیابی قرار می دهند.

عدم توجه جدی به این چنین مسائل مهم در کار کمیسیون تدقیق قانون اساسی، بی تردید مردم را به کار ساز بودن آن بی باور می سازد.

افزون بر این ها از دستور کار کمیسیون تسوید این بود که پس از انجام کارش، پیش نویس را از راه رسانه های گروهی به اطلاع عامه می رساند تا آرا و نظریات مردم را به گونهء مستقیم در پیرامون مواد آن دریابد. لذا کار تدقیق باید چنان به اتمام برسد که فرصتی کافی در اختیار مردم جهت ابراز رای و نظر بگذارد تا وقتی نمایندگان مردم در لویه جرگه برای رای دادن به قانون اساسی گرد هم می آیند در بارهء مواد آن آگاهی کامل داشته باشند و نیز باور پیدا کنند که به کار این موارد اساسی چنان که شایسته است به جدیت پرداخته می شود نه به هزل و شوخی و به دام انداختن؛ زیرا که "شوخی با ریش بابا" نمی سزد.

سخنی در باب
امنیت ملی وامنیت بین المللی

وحید«مژده»

رابطه بین امنیت ملی یک کشور باامنیت بین المللی هرچندبحث تازه یی نیست ولی به شکلی که امروز این مسأله در عمل کسب اهمیت کرده، هیچگاه تااین حدجدی نبوده است. در جهانی که مازندگی می کنیم به نظر می رسد که دیگر مسأله، امنیت ملی مفهومی فراملیتی یافته است.

جهان معاصر به تعبیری دهکدهء جهانی است باهمسایه های دیواربه دیوار وچون حوضی است که وقتی تلاطم یک گوشه اش موجی برمی انگیزد، گوشه های دیگر از لرزش آن بی نصیب نمی ماند.

در جهانی که ارتباطات آنرا به شدت فشرده وتنگ ساخته است، اگر عضوی ازشکنج روزگار به دردآید اعضای دیگر از آن درد برکنار نخواهد ماند ودر نتیجه می توان گفت باگذشت هر روز جهان شاهد تغییرات بس شگرفی است که حتی اصطلاحات نیزتجدید تعریف شدن می طلبد. امنیت ملی ازجملهء همین اصطلاحات است.

دیروز دغدهء ملت هاامنیت ملی وداخلی بود. مسألهء امنیت جهانی بیشتر در دستورکار مجامع بین المللی قرار داشت. کشور هادر چهارچوب ملی به امنیت مناطق درون مرزی خویش ودر مجموع به امنیت ملی بیشتر حساس بودند.

در نیمهء دوم قرن گذشته موضوع امنیت منطقه یی رفته رفته کسب اهمیت نمود.در بعضی ازمناطق اتحادیه های منطقوی به وجود آمد. چنین فرض می شد که اگر کشور های هرمنطقه بین خود روابط خوب تجارتی داشته وروی منافع مشترکی به تفاهم برسند، ازکشمکش های منطقوی کاسته خواهدشد ودر نتیجه صلح وامنیت جهانی تأمین می گردد.

اما در این زمینه قرن بیست ویک باتجربه یی بسیارمتفاوت ازگذشته آغاز شد. ازکشور دورافتاده ازچشم جامعهء جهانی، محصور به خشکه ومواجه به تعزیرات شدیداقتصادی بین المللی یعنی افغانستان تحت حاکمیت طالبان ضربه از دور به قلب اقتصاد وتجارت امریکا وارد آمد. ضعیف ترین وفقیرترین کشورجهان،قدرت تنها ابرقدرت مادی جهان را به مخاطره انداخت.

در این جادیگر مفهوم امنیت ملی وامنیت جهانی باتعابیرکلاسیک قابل تعریف نبود. هرچند دراین مورد این امنیت ملی امریکا بودکه به مخاطره افتاده بود، ولی امریکا این خطر را به عنوان یک خطرازقوه به فعل آمده در سطح جهانی وخطری که همهء جهان را تهدید میکند به ذهنیت هاقبولاند وبه این ترتیب امنیت ملی شکل مفهومی گسترده ترازیک خطر داخلی یافت.

پافشاری امریکا در مورد نابودی سلاح های کشتارجمعی عراق وسپس حمله به عراق همین بهانه وتهدیدات امریکاعلیه بعضی ازکشورهای دیگر این سوال رامطرح می کند که آیایک کشورقوی حق دارد به این دلیل که احساس می کند امنیت ملی اش ازطرف کشوری تهدید می شود به آن کشور حمله کند؟ آیا نفس همین احساس می تواند مجوز اخلاقی لازم برای حمله به دیگران را فراهم کند؟

در جواب باید گفت که اقدام امریکا در حمله ویاتهدید کشورهای دیگر نمی تواند یک قاعده باشد بلکه یک استثناست که یک ابرقدرت به خود حق می دهد تابه زعم خود ازامنیت ملی خویش هزاران فرسنگ دور ترازمرزهای ملی خود به دفاع برخیزد، ولی کشورهای دیگر حتی اگر ازهمسایهء خویش احساس خطرکنند، چنین حقی رانخواهد داشت.

البته این بارنخست نیست که امریکامرزهای امنیت ملی خود را هزاران کیلومتر دورتر ازمرزهای جغرافیایی خود فراتر می برد. در دههء ٦۰میلادی امریکا در جنگ ویتنام نیزباتوجیهی ازهمین دست درگیرشد. آن روز خطرکمونیزم بود ولی امروز اسلام است. دیگر خطرکمونیزم به فراموشی سپرده شده است. امروزکیوبای تحت رهبری کمونیست پیر«کاسترو» هرچندهمسایهء در به دیوار امریکاست اماخطری تلقی نمی شود. امریکادیگرجنگ کوریای دههء پنجاه میلادی را به فراموشی سپرده است وآنرا باوجود سلاح های کشتار جمعی در کوریای شمالی، تکرار نخواهد کرد.

در اینجا می توان نتیجه گرفت که در جهان امروز محدودهء مرزهای امنیت ملی را قدرت وتوان تکنولوژی جنگی مشخص می سازد. اکنون رقابت پنهان در پیشرفت تکنولوژی جنگی میان کشورهای بزرگ در جریان است ودیگر هیچ کشوری باسلاح های متعارف قادر به دفاع ازخود در برابر قدرت برتر تکنولوژی جنگی قدرت های بزرگ نخواهد بود وتکنولوژی جنگی عادی در جهان بازار خود را ازدست می دهد.

در گذشته سازمان ملل متحد باوجود ضعف هایی که داشت، به عنوان یک عامل در تأمین امنیت بین المللی نقش معین خویش را دارا بود اما خلط مبحث امنیت ملی وامنیت بین المللی نقش این سازمان را به شکل نگران کننده یی کمرنگ تر می سازد.

باتوجه به تغییرات عظیمی که جهان در آغاز قرن۲۱شاهد آن بود آیامی توان گفت که پایان عمرجهان در همین قرن رقم خواهد خورد؟

دجهاد اومقاومت لاربنود استاد رباني :
ملت جوړول له ملي وحدت پرته امکان نه لري

دخبري رسنيو درپوټونو له مخي د جهاد اومقاومت مشر او دافغانستان پخواني جمهور رئيس محترم استاد برهان الدين رباني دهيواد دجنوب لويديځ ولايتونو اداري او پوځي مسئولينو او دمجاهدينو دمشرانو د پرله پسي غوښتني له مخي هغو سيمو ته غير رسمي او سياسي سفر وکړ چي ددوي دغه سفر د نوموړو سيمو د جهادي قومي او قبيلوي مشرانو اود کندهار ښار د اوسيدونکو له تود هرکلي سره مخامخ شو.

محترم استاد رباني ددغو سيمو مشرانو ته د خپل سفر هدف په ټول هيواد کي د ورونو قومونو تر منځ د ملي يووالي ټينگښت وباله او زياته ني کړه چي زه د هغه ناوړه ذهنيت له مينځه وړلو لپاره دلته راغلي يم چي دهيواد دښمنانو د خپلو توطئو له مخي هڅه کړي چي شمال او جنوب سره جلا کړي او داسي وښئي چي گوندي جگړه د شمال او جنوب تر منځ ده او ددغو ورونو قومونو تر منځ بيا يووالي امکان نه لري.

دوي د خپلو نوروکتورو خبرو او لارښوونو په ترڅ کي د کندهار ښاريانو ته په خطاب کي څرگنده کړه: زموږ او ستاسو لومړي کار ملت جوړول دي او ملت جوړونه له ملي وحدت پرته امکان نلري دولت جوړونه او بيارغاونه وروستي گامونه دي ... د جمعيت د تنظيم مشر د خپلي وينا په يوه برخه کي د جنوب خلکو په تيره بيا د کندهار مشرانو ته بلنه ورکړه چي خپل هياتونه شمال ته واستوي مشران يو تربله خبري اتري وکړي،سوء تفاهمات له مينځه يوسي او هغه غلط تبليغات چي ددغه هيواد د ښمنانو د شمال او جنوب په نامه پيل کړي شنډ کړي،دغه راز دوي ددغه هدف دترلاسه کولو په لارکي د کليدي شخصيتونه لکه د افغانستان دپخواني باچاه په رول ټينگار وکړ او دناوړه تفاهماتو له مينځه وړلو په لار کي ئي د ملي مرکزونو جوړول ضروري وبلل اوزياته يي کړه چي زموږ ملي هويت اسلامي هويت دي

۷ مخ

گام به گام با رهبر...

آرام بـه سـرزمین باسـتانی مـردم همیشـه درصحنه هرات نزدیک می گردید. درمسیر شاهراه قندهار- هرات، صدهانفرکه مژده رسیدن رهبرجهاد رایافته بودند، صف کشیده بودند که این امر باعث توقف حرکت کاروان وازدیاد عطش هراتیان می گردید.

آری، چـه صـحنه یی از این که صفوف طولانی مردم اعم زشیر زنان وراد مردان، پسران ودختران، مشتاقانه باسردادن نعره هـای تکبیر مقدم استاد راگرامی می داشتند وگلها نثار راهشان می کردند بسیار دلپذیر بود!!

استاد بـرهان الدین ربانی رهبرجهاد ومقاومت ملی ورئیس جمهورپیشـین افغانسـتان درمـیان شـور وهلهلـه هـزاران هزار باشـندهء هـرات باسـتان قـدم بـه ایـن سرزمین مبارک خواجه عـبدالله انصـاری رحمـه الله علـیه، بهـزاد، شهیدافضـلی وشهیدعلاوالدین گذاشتند.

درمنطقه میرداد ، محمداسماعیل خان، فرمانده جهاد وسردار صلح وسـازندگی هرات ومسوولان اداری- نظامی آن ازهیأت پذیرایـی نمودنـد. هـرات وهراتـیان به خود می بالیدند که پس زسالها، باردگر میزبان رهبرمحبوب خویشند.

صلی علی محمد
رهبرماخوش آمد

ایـن هدیـه بیبود که درطول راه مستقبلان صف بسته در دوطرف جاده، به مهمانان شان نثار می کردند واحساسات پاک شـان را تـبارز می دادند. جناب استاد ربانی وامیرمحمد اسماعیل خـان دربعضـی جـای ها دوستداران را فرصت مصافحه ودست فشـردن مـی دادند. درجایی شاگردان یک مکتب این ترانه را به مقدم استاد پیشکش کردند.

روشن شده مارابصرازمحضر استاد
هستیم همه بهره ورازمحضر استاد
هرچیز شود جلوه گرازمحضر استاد
دوران جهاد سربسرازمحضراستاد

ربانی لقب' عالم وبافضل ودرایت
کزدین خداکرده همه عمرحمایت
بنموده به احیای وطن سعی نهایت
باشدهمگی رااثرازمحضر استاد
هرچیزشود جلوه گرازمحضراستاد
ای عالم پاکیزه سیرخیرقدوم
کردی سوی این شهرسفرخیرقدوم
داری به هری حسن نظرخیرقدوم
هستیم همه منتصرازمحضراستاد
هرچیزشود جلوه گرازمحضراستاد

قطـار بزرگ مهمانان که حالادرترکیبش مهمانانی ازولایات قـندهار وهلمـند نـیزافزون گـردیده بودنـد، جهـت صرف طعام درمهمانخانـه تخـت رسـتم هرات جابجا شدند. جناب استاد بعد زیـک وقفـه کوتاه، گروه هایی مختلف از مردم را که آرزو دیدار واحـوال پرسـی بـا ایشـان را داشـتند، درخانـه جهاد به حضور پذیرفتند.

هـرات الگـوی خوب خدمتگزاری قهرمانان جهاد ومقاومت درجهـت بازسـازی وتأمیـن امنیـت بادستان خالی است. در این جابـه همـت حماسـه سازان سازندگی هرروز چهره شهرعوض وخدمـات اجتماعـی برای مردم همگانی می گردد. شرایط تعلیم وتربـیه به تمام جوانان به ویژه دختران که طی سالیان حاکمیت سـیاه طالـبان بامما نعـت جـدی مواجه بود، باسهولت آماده شده سـت روحیه وتلاش برای زندگی سعادتمند و یاری رسانیدن به خانواده های شهداومعلولین جهاد مقدس آشکارا جلوه گر بود.

بـه گفته اهالی هرات، امیراسماعیل خان وهمکارانش، شبانه روزی مصـروف رفـع مشکلات مردم وچیره شدن برمشکلات ناشـی ازجـنگهای تحمیلـی ودوران حاکمیت مردم ستیز طالبان قـرار دارنـد، اگـر چشـم هایی که پرده تاریک تعصب را ازمقابل خـود بـه دور افگنده وجرأت قبول واقعیت های را به خود بدهد، بـایک طرفه العین می تواند این خدمات فرزندان اصیل کشور را مشـاهده ودرمقابل واقعیت های عینی ادارهء هرات که بازسازی و امنیـت وتأمیـن عدالـت اجتماعـی رکن اساسی آن می باشد، زانوزند.

بـه روزپنجشنبه ۱۸ثور۱۳۸۲(۸می۲۰۰۳) استادبرهان الدین ربانـی رهـبرجهاد ومقاومـت ملـی افغانسـتان درمعیـت محمداسـماعیل خـان درمحفلی که درلیسه سلطان غیاث الدین غـوری ترتیب یافته بود، اشتراک ورزیدند. شاگردان اعم ازپسران ودخـتران کـه ملـبس بـه یونیفورم سارندویان معارف بودند، در دوطرف صحن لیسه بانثارگل ونعره های تکبیر ورود رهبرمعظم وامیرمحبوب شان راگرامی داشتند.

ابـتدا مسـوولان تعلـیم وتربـیه هـرات، ضمن خوش آمدید گفتـن به مهمانان تعهدشانرا به رشد وبالندگی علم ودانش دراین خطـه باستانی وعلم پرور ابراز نمودند وازتوجه که رهبری ولایت هرات به امورمعارف داشته است، ابرازشکران نمودند.

بعـداً استاد طی یک سخترانی عالمانه فرمودند: این سفرمن نه یک سفر دولتی است ونه سیاسی، بلکه سفری است درجهت تحکـیم وحـدت وهمبسـتگی ملی ، خرسندم امروز درسرزمینی هسـتم کـه نـه تـنها قدرتمـند ترین پایگاه مهم علم وفرهنگ



استاد در دیدار از مکتب کبرزان هرات

ومدنیـت اسـلامی اسـت بلکه سنگر مستحکم جهاد ومقاومت نیزبوده است.

جناب استاد ضمن تشریح اهمیت علم در ارشادات اسلامی، فـرمودند: فرهـنگ اسـلامی مشخصـات ویـژه یـی دارد که از ویژگـی هـا عمـدهء آن جایگـاه بلـند علم ودانش در آن است، سـلام باالین گفته که ازمهدتالحد دانش بیاموزید، مرزی را برای علـم انـدوزی تعییـن مینماید. بعـداً رهـبرجهاد ومقاومـت ملی فغانستان به این مسائل پرداختند.

جهـاد مـردم ماجـنگ بـرای جنگی نبود بلکه برای دفاع از رزش هـای ملـی واسـلامی مـابود. اگر دیروز مجاهدین جانته سـلاح و مهمات را به دوش داشتند، امروز بکس های مکتب را باخود انتقال می دهند.

طالـبان یک گروه متحجر وفرهنگ ستیزی بودندکه هدفی



هنگام معاینه قطعه تشریفات- شهر هرات

جزبدنامـی اسـلام وسسـت کـردن پایـه های علمی وفرهنگی کشورنداشـتند. اگـر دیروز دربرابر توطئه وتهاجم نظامی درسنگر داغ مقاومـت قـرار داشتیم، امروز باکشمکش های دیگری چون هویـت سـتیزی وتهـاجم فرهنگـی روبه روهستیم . در مسایل علمـی وفرهنگـی مـی شـود بادیگـران مشترک کارنماییم، اما سخت متوجه باشیم که هویت اصیل فرهنگ خود را نگه داریم گر ملت ها به اصالت های فرهنگی خود تکیه نکنند، به تهاجم فرهنگی مواجه می شوند واندیشه هاوافکار ای که باارزش های شـان سـازگار نیست، درآن ها رخنه می کند. یک ملت تازمانی زنـده است که فرهنگش زنده است. پس باید مرزهای فرهنگی خود رانگهه داشت.

درمورد موقعیت وجایگاه زن درجامعه اسلامی هیچ مشکلی وجود ندارد. در آفرینش انسان، خداوند«ج» مرد را در خاک وزن را دربهشـت خلق نموده است. تفاوت فقط، تفاوت جسمی است وبس. ماحقوق همه افراد کشوررا محترم می شمریم.

ماهـیچ گـاه دروازه هـای کشـور را بـه روی دنیابسـته ایم وهمیشـه دست دوستی وهمکاری مردم افغانستان به طرف دنیا دراز بـوده اسـت. در طول تاریخ مردم افغانستان متجاوز نبوده اند بلکـه دسـت همکـاری ودوسـتی راکه به طرف شان دراز شده ست باگرمی فشرده اند.

درهـرات باستان الحمدلله وضع امنیتی و پروسه بازسازی به خوبـی پـیش می رود وهرات را می توان سرمشق کار وتلاش درسایر کشور قلمداد نمود. درهرات محابس وکوته قلفی هاازبین رفـته وبـه جای آن تعلیم گاه ها افراد مجرم ایجاد گردیده است. سروصـداهایی درمـورد هرات وشخص امیراسماعیل خان عقده مـندانه ونادرسـت اسـت. مردم ومسوولان هرات باقوت ازدولت انتقالی اسلامی به رهبری آقای کرزی پشتیبانی می نمایند.

پـس از محـترم جـنرال میرولـی قوماندان فرقه۹۳ گرشک ولایـت هلمـند، ضـمن بیانـیه یـی، سـپاس وقدردانـی خود را زمهمانوازی واحساس نیک مسوولان ومردم هرات بیان داشت گفـت: مابـاور داریم که دشمنان این کشور هرقدر بخواهند بین مردم مابه نامهای مختلف تفرقه ایجاد نمایند، به این هدف شوم شـان نخواهندرسـید. قدمـی کـه استاد محترم درجهت تحکیم وحـدت ملی افغانستان گذاشته اند، قدم نیک ومبارک است. مابه میراسـماعیل احـترام کامل داریم واز وی حمایت می نماییم. اویک مسلمان واقعی ومجاهداست.

سـپس فرمانده جهاد وسردار صلح وسازندگی، محترم اسماعیل طـی سـخنرانی پرمحـتوا یـی مجاهدین رامخاطب قرارداد گفت: شمامسـوولیت خـود را درمقـابل مـردم وانقـلاب اسلامی خویش بـاتلاش وشمشـیروقلم اداساخته وآن راپـیروز گردانـیدید اماامـروز مسـوولیت هـای سـنگین وبـه مراتـب بیشتر در پیش روداريد که همانا ساختن وطن ویرانه تان مـی باشد. ساختن وطن، تنها توجه به ساختن مادی وتاسیسات قتصـادی آن نیسـت بلکـه بادستان پرتوان تواین کشور ومردم معنویـت ازدست رفته خویش رابازمی یابد. اگردیروز باخون خود وطـن را آزاد سـاختید، امـروز باعرق جبین خویش باید آن را اباد سازید.

امـیرمحمد اسـماعیل خـان بعـداً جوانـان ومـتعلمان حاضـردرمجلس را مـتوجه مسـوولیت هـای شان نموده گفت: مـروز بسـتر رشـد معـنوی شـمامهیا شده است. درپهلوی رشد مـادی. حـتماً بـاید بـه بازسـازی معـنوی خویـش توجه جدی وهمیشـگی نمایید چون این کار زمینه های انحراف را نیز ازبین مـی بـرد. اگـر درگذشته ها کسب علم فقط به حیث وسیله یی جهت رسیدن به مقام ورفاه مادی بود، امروز باید تحصیل وسیله یـی بـرای بهترخدمت کردن به کشور ومردم رنجدیده آن باشد. چـون انسان وبه خصوص جوانان وظیفه ورسالتی بالاتر ازکسب نان و خانه ومقام دارند.

سپس شاگردان این لیسه سرود را زمزمه نمودند:

ای رهبرمبارزمیدان خوش آمدی
اندرحریم خاک دلیران خوش آمدی
اتمام گشت ظلم وستم رفت ابرجهل
چون ابرروح بخش بهاران خوش آمدی
دوران جاهلان تبه کارهم گذشت

ای قاعد جهاد چوطوفان خوش آمدی
ازبهرشادمانی مادل شکست گان
کرده قدم رنجه به احسان خوش آمدی
یکبار زروی لطف به ماگرنظرکنی
گوییم هزاربار که ای جان خوش آمدی

محفـل بادعایـیه یی درجهت خیروفلاح مردم افغانستان به پایان رسید.

جـناب استاد درنمازجمعه۱۹ثور۱۳۸۲(۹می۲۰۰۳) که بـه امامـت شـان درمسـجد جـامع وتاریخـی هـرات دایرگـردید، نماز گزاران را ضمن متوجه کردن به رسالت های میهنی ودینی شان، برضرورت تحکیم وحدت ملی، تأمیـن امنیـت وثـبات، تقویه حکومت مرکزی وتشکیل اردوی ملـی کـه حـافظ مـنافع علـیای کشـور باشـد، تاکـیدورزید. درخـتم ایـن نمـاز، نمازگزاران مومن برای سربلندی وسعادت وآبادی افغانستان ویران به درگاه رب العزت دعانمودند.

بعـداً اسـتادو هـیأت همـراه درحالـی کـه گروه های زیـادی از مـردم مشـتاقانه سـعی بـه دیدار گمشد شان داشـتند ازمـزار پـیرهرات خواجه عبدالله انصاری رحمت الله علـیه و سـپاهیان گمـنام و مقـبره شـهیدصـفی الله افضلی وزیارت ابوالولید شیخ الحدیث که درسنه ۳۲۱هه ق مـی زیسته است دیدار نموده وبه روح همیشه جاوید این بزرگمردان علرف وغازی دعاخیرنمودند.

بـه تـاریخ ۲۰ثـور۱۳۸۲ اسـتاد درحالـی کـه امیرمحمداسـماعیل خـان ومحـترم قومـاندان قول اردو نـنگرهار نیزحاضـر بودنـد، ازخطـه شـهیدپرور کـبرزان ولایـت هـرات دیـدن نمودند. درمسیر راه مستقبلان که ازنظـر سـن وجـنس ترکیـب مختلف داشتند، دردوطرف جـاده خاکـی که باسایه های درخت هاپوشیده بود، صف کشـیده و دریـک دسـت عکـس یـک شـهید وبادسـت دیگرنعـره تکبیرگفـته وبانـثارگل صـمیمیت واحساسات نیک شانرا به نمایش می گذاشتند.

درصـحبتی کـه رهـبر جهاد ومقاومت ملی درمسجد کـبرزان ایراد فرمودند، ضمن تبریکی مولود شریف وذکر خصـایل وسـیرت مـبارکه رسـول امیـن«صلی الله علیه وسـلم» گفتند: دین ازاجتماع و سیاست ومبارزات آزادی بخش دورنیست قـامهای ملی صبغه دینی داشته ومسأله جدایی دین ازسیاست اگر درنزد کشورهایی منطق داشته باشـد، امادرایـن کشـورهیچگاهی قـابل تطبـیق نیسـت. مـیلاد پیامبراکرم«صلی الله علیه وسلم» خط فاصل نور وتاریکی وحق وباطل بوده است.

سپس یک تن از مدرس آن دارالعلوم ضمن تقدیم سخنرانی وترانه یی مقدم رهبرگرامی وعالیقدر جهاد را به این منطقه خوش مدیـد گفتـند واطمینان دادند که ارشادات شانرا عملی ودر این راه ثابـت قـدم خواهند ماند. سپس شاگردان این مدرسه ترانه یی در ستایش مقام مجاهدان په این مطلع سرایین:

ای غازی مجاهد دوران به توسلام
ای صاحب شهامت وایمان به توسلام
بهربقای دین محمد تو جان خویش
کردی فدای حضرت سبحان به توسلام

بعـد ازظهـر همیـن روز اسـتاد وهـیأت همـراه شان درحالـی کـه محـترم محمداسماعیل خان فرمانده پیروز جهـاد ومحـترمه خـانم حبیـبه سرابی وزیرامور زنان هم حاضـربودند مجـتمع فرهنگـی خواهـران را باارشـادات عالمانـه شان افتتاح نمودند. استاددر این سخنرانی ضمن سـپاس وقدردانـی ازفرهـنگ دوسـتی وتوجـه خـاص محمداسـماعیل خـان بـه معـارف وتربـیه سالم دختران وزنـان ازبـرنامه هـای بیشترتوسـعه یی وی جهت ایجاد سهولت های لازم به خواهران مژده داد.

جـناب اسـتاد دربخشـی ازسـخنرانی شـان فرمودند: حضورخواهرسـرابی(وزیـرامورزنان) درافتـتاح ایـن مجمـع وشـماخواهران، مشـت کوبـنده یـی بـه دهـن غوغاگرانـی خواهـد بود کـه بـه ارتـباط حقـوق بشـروحقوق زنـان درهـرات به راه انداخته انـد. سپس جناب استاد



استاد دریک کنفرانس مطبوعاتی به سوالات ژورنالیستان پاسخ می دهد

در رابطـه به اهمیت زنان درجامعه اسلامی وجایگاه آنان درتعالـیم اسـلامی فـرمودند: پیغمبراکرم«صل الله علیه وسـلم»در بـارهء اشـتراک زنـان در امورکشـور داری، گسـترش علـم وحمایـت زنـان درشرایط که درفرهنگ هـای دیگـر زن بـه حیـث انسـان شـناخته نمـی شـد ودانشـمندانی چـون ارسـطو وافلاطـون زنـان را ازجمله مخلوقات درجه دوم

ص۵

از گلستان سعدی "رح"

حکایت

یکی را ازملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده وجور و اذیت آغاز کرده، تابه جایی که خلق ازمکاید فعلش به جهان برفتند وازگربت جورش راه غربت گرفتند. چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت وخزانه تهی ماند ودشمنان زور آوردند.

هرکــــه فریاد رس روز مصیبت خواهد
گودر ایام ســـــــلامت به جوانمردی کوش
بندهء حلقه به گوش ارتنوازی بـــــــــرود
لطف کن لطف که بیگانه، شود حلقه به گوش

باری به مجلس اودر کتاب شاهنامه همی خواندند در زوال مملکت ضحاک وعهدفریدون، وزیر ملک را پرسد هیچ توان دانستن که فریدون که گنج وملک وحشم نداشت چگونه برو مملکت مقرر شد؟

گفت: آنچنانکه شنیدی خلقی برو به تعصب گرد آمدند وتقویت کردند وپادشاهی یافت. گفت: ای ملک چون گرد آمدن خلق موجب پادشاهی است تومر خلق راپریشان برای چه می کنی، سرپادشاهی کردن نداری؟

همان به که لشکربه جان پروری
که سلطان به لشکر کند سروری

ملک گفت: موجب گردآمدن سپاه ورعیت چه باشد، گفت: پادشه راکرم باید تابروگرد آیند ورحمت، تادر پناه دولتش ایمن نشینند وترا این هردوهست.

نکند جورپیشه ســـلـــطانی
که نیایدزگرگ چوپانـــــــــی
پادشاهی که طرح ظلم افگند
پای دیوار ملک خویش بکند.

ملک را پندوزیر ناصح موافق طبع مخالف نیامد، روی از این سخن درهم کشید وبزندانش فرستاد شبی برنیامد که بنی عم سلطان به منازعت برخاستند وملک پدرخواستند، قومی ازدست تطاول اوبه جان آمده بودند وپریشان شده؛ برایشان گرد آمدند وتقویت کردند تاملک ازتصرف این بدر رفت وبرآنان مقرر شد:

پادشاهی کور وا دارد ستم برزیر دســـــت
دوستدارش روزسختی دشمن زور آوراست
بارعیت صلح کن ازجنگ خصم ایمن نشین
زآنکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکر است

هـ .ا.سایه

درکوچه سارشب

در این سرای بی کسی کسی به درنمی زند
به دست پرملال ماپرنده پرنمی زند
یکی زشب گرفتگان چراغ برنمی کند
کسی به کوچه سار شب در سحر نمی زند
نشسته ام درانتظار این غبار بی سوار
دریغ کزشبی چنین سپیده سرنمی زند
گذرگهی است پرستم که اندر اوبه غیرغم
یکی صدای آشنا به رهگذر نمی زند.
دل خراب من اگر خراب ترنمی شود
که خنجر غمت ازاین خراب ترنمی زند
چه چشم پاسخ است ازاین دریچه های بسته ات؟
برو که هیچ کس ندابه گوش کرنمی زند.
نه سایه دارم ونه بربیفگندم وسزاست
اگر نه بردرخت تر کسی تبرنمی زند.

سیدابوطالب مظفری

بازگشت

دوباره سوی توبرگشتم، دوباره، کشورتنهایم
شبی که بارسفربستم نگفتمت که همی آیم؟
نگفتمت که پس ازتوفان، پس ازشقاوت این دوران
به کوهسار تومی پیچد صدای هی هی وهیهایم!
شب دراز غریبی را بدین بهانه سحرکردم
که صبح روشن فردا را دوباره پیش تومی آیم
هنوز یاد دل انگیزت هنوز عشق بلاخیزت
نرفته ازسراین عاشق، هنوز برسرسودایم
به روزگار غم وغربت در آن خرابهء پرمحنت
هماره یاد توروشن داشت چراغ آن شب یلدایم
به رغم آن شب بی شادی، به مرگ آن شب بی باران
بخند تاکه بخندد گل، بخند میهن زیبایم.

گل پاچا الفت

ملي قدرت

په رښتيا هغه ملت وي بختور
چې لري ملي نظام ملي رهبر
وي اصلي حاکميت دخلکو لاس کې
حکومت وي دملي قدرت مظهر
جامعه پخپله وي په ځان حاکمه
دعامه افکارو وي قوي اثر
نه تبعيض نه امتياز وي نه تيري
په حقوقو کې وي خلک برابر
دهر چا اعتماد وي په عدالت
قوانين وي له هرچانه معتبر
ازادي ديموکراسي وي واقعي
خطر نه وي کرامت ته دبشر
مخور مسلط نه وي په نظام
اهليت او لياقت وي مخور
سر او مال وي په امان فکر او نظر
زور ورچې پکې نه وي پخپل سر

طنز

دچوکۍ هوس

دهيواد يو پخواني ماموريم، کلونه کلونه مې خدمت وکړ خپله ټوله انرژي او ان دسترګو نور مې هم له لاسه ورکړ خودماموريت په دغه شيبه کې که پخپل وخت او مناسب معاش نه راکول کيږي او په کوپوني موادو مې هم بنديز لګول شويدي نو ورسره سم ددولتي موټر له امتياز نه هم بې برخي يم.

نن سهار په شپږو بجو له کوره ووتلم، ماويل ګوندي ملي بس پيدا کړم، دوه ميله لري يو تم ځاي ته راغلم او له ډير انتظار وروسته مې له لري يو ملي بس په نظر شو، ژر ژر مې خپلي تنۍ وتړلي، زړي عينکي مې په جيب کې خوندي کړي او تر ځو لا دمخه په پام کې نيولي و ځکه ملي بس ته ختل او د چوکۍ نيول چې ملي بس را رسيده ما ورته دختلو تمرينونه لکه د وزلوبي ګټل او خوسکي د حلال دايري ته رسول دي.

د بس له تم کيدو سره سم مې دوروستۍ دروازې تر څنګ کمين ونيوه تر څو دسپرليو له کوزيدو وروسته په اسانۍ او چالاکي سره بس ته وخيژم او چوکۍ ونيسم چوکۍ!

په رښتيا چې دچوکۍ نيول څو عجيب خوند لري دخداي فضل وُ نه مې لاس پښه مات شول او نه مې تنۍ وشکيدي او چوکۍ

او څنګ ته مې وکتل زما دچوکۍ ښي اړخ ته زموږ ولسي مشر، دجرګو مرکو سپين ږيري او زما نه زيات حقدار ولاړ وُ، ساه يې سره وهل کيده او ماته يې په خير خير کتل، ژر مې سترګي ځمکي ته واچولي خپلي چوکۍ ته ښه تکيه شوم، نرمه او پسته چوکۍ وه. چې نور خلك به مې ولاړ وليدل او د بس نګرانانو به يو بل ته غږ کړ: "نفرهاي ته کش کو. او برادر پيش برو پيش" نو پدي وخت کې به ماته د خوښي احساس پيدا شو او پخپله چوکۍ به نازيدم، په آرامه او پسه چوکۍ.

پدي وخت کې مې دسپرليو دډوو تنو مي تر لاسه کړه، هوکي! په چوکۍ باندي له تکيه کولو وروسته مې د انتظار ټوله ستوماني لري شوه. دخوښي احساس مې کاوه او ځان مې دلوبي اتل باله، چې ښه تکيه شوم مرکي ته غوږ شو چې يو بل ته ني ويل: توبه خدايه توبه. دا څنګه زمانه شوه. هرڅه بدل شو، نه زوړ مغلوم دي او نه ځوان، دا څنګه اخلاق شول؟ بل يې ويل: اخلاقو خولا ډير

پخوا زموږ له ملکه کډه کړي، دا ګوره حقداران ولاړ دي او څوك ورته ځاي نه ورکوي... ما پدي ټولو خبرو غوږونه کڼول ځان مي داسي ښوده چې نه څه ګورم او نه څه اورم. او دا ځکه چې ما دا چوکۍ څه په اسانه نه وه موندلي، اخير څو ميله منزل مي پسي کړي وُ. دخلکو ټيله تمبه. دلاس پښو ماتيدل د تنيو شکيدل دا ټول مي په ځان منلي وُ او عجيبه لاداده چي اوس يې خوشي په خوشي بل چاته پريږدم!نه نه دا نرمه او راحت چوکۍ دا به هيڅکله هم بل چاته ونه سپارم. که زه خداي ناخواسته له دغي چوکۍ نه پورته شم

نو بيا دغه راز چوکۍ ماته کله رسيږي.

زما تر څنګ حقدار چي لاساه يي هماغسي وهل کيده پداسي حال کي چي زما خواته يي دسترګو په ووت کي کتل او دحال په ژبه يي دځان په نسبت زما دمهرباني هيله درلوده چي چوکۍ ورته خوشي کړم، ځان يي مستحق باله نورو هم مستحق باله خو ما. هوکي ما هم ځان مستحق باله ځکه چي ما خو دغه چوکي څه په اسانه لاس ته نه وه راوړي، ما دغه چوکۍ د وزلوبي په څير دمسابقي په ترځ کي، هوکي، د تنيو دشکيدو، دلاس او پښو دماتيدو په توده لوبه کي ترلاسه کړي وه، نو ما ځکه ځان مستحق باله او بله داچي ډيره نرمه او هوسا چوکۍ وه.

ما پتيلي وه چي ملي بس وروستي تم ځاي يعني منزل مقصود ته ورسيده او له خلکو خالي شو نو زه به هم پلي شم که نه تر هغه وخته چي هدف ته نه يم رسيدلي په چوکي به ناست يم پدي نرمه او ګلالۍ چوکۍ. پدي هوسا او آرامه چوکۍ. او ګوره! دا خو لا ديو کوچني مامور ديوي وړي چوکۍ هوس وُخداي خبر چي له سترو چوکيو سره به دسترو کسانو څومره مينه او هوس وي.

د ش – زيارمل ليکنه

گام به گام با رهبر...

حساب می کردند، تلاش ها وارشادات ماندگار وپرارجی دارند که برای هرمسلمان اسوه« حسنه است.

اگر امروز ازحقوق زن درجامعه سخن رانده می شود، نو وپدیده بکری نیست، اسلام چنین حق وامتیازاتی را برای زنان قرن ها پیش تضمین کرده بود.

درخاتمه رهبرخردمند جهاد خطاب به خواهران حاضردرمجلس گفتند شمابه مثابه« عنصراساسی کانون خانوادگی ومعلم فرزندان باید به این نکته سخت متوجه باشید که کودک پیش از همه به عطف ومحبت ضرورت دارد، نقش شمادر این عرصه بیشتراز دیگران است ' دستی که گهواره را می جنباند، جهان رانیز تکان می دهد.

به سلسه دید وبازدید ازنقاط مختلف خطه قهرمان پرور هرات، به روزیکشنبه ۲۱ثور۱۳۸۲، استاد وهیأت معیتی شان درحالی که توسط محترم محمداسماعیل خان همراهی می گردیدند، عازم ولسوالی های کشک وتورغندی گردیدند در این جا نیزباصفهای بسته زنان ومردان، دختران وپسران گل به دست روبرومی شدند.

درولسوالی کشک رباط سنگی شاگردان مکاتب، علماء، مجاهد واقشار مختلف کشورصف طولانی برای استقبال ومصافحه رهبرجهاد ومقاومت تشکیل داده بودند.

دختران خردسن که لباس افغانی به تن داشتند،این ترانه« دلپذیر رابه حضور رهبرگرامی وامیر شان تقدیم نمودند.

مامجاهد حقیم قدرت خداباماست
هرکجاکه روآریم دست کبریا باماست
ازفراز سنگر هاچشم مصطفی باماست
درطلوع هرصبح طرفه مژده هاباماست
مابه پیکر ملت بازوی تواناییم
اعتماد امروزیم افتخارفرداییم
کشتی خداجویان ناخدانمی خواهد
جزهدایت قرآن رهنمایی نمی خواهد
آفتاب حق سایه ازهمانمی خواهد
این شهید راه حق خونبها نمی خواهد
عاشقان کوی وی رسم رهبری دانند
بند گان سربازش راه سروری دانند.

درمحفل که درلیسه« کشک رباط دایرگردیده بود، یک تن آموزگاران لیسه ضمن خوش آمدید گفتن به مهمانان



استاد با اسرای طا لبان که هنگام ورود شان به آن ولایت از زندان ازاد شدند دیدار نموده وسخترانی ایراد کردند

گفت: باطل باهررنگ ولباسی که وارد صحنه شود هدفش ازبین بردن دین خدا ومنسوخ کردن چهره« واقعی آن است که معیارشناخت آن قرآن است. وی ضمن ایراد سخنان خویش عوامل پیروزی جهاد را چنین تشریح نمود:

اتحاد وهمبستگی تمام مردم افغانستان.
تقوا واخلاص سنگرداران.
مبارزه درابعاد نظامی فرهنگی.

بعداً رهبرجهاد، ضمن تشکر ازپذیرایی صمیمانه واحساسات پاک مردم فرمودند: درک وبصیرت شماازقضایای کشور برای من وهمه برادران شما این اطمنان را می دهد که مردم مادرهرکجا ی که هستند رسالت بزرگ خود را در برابر خدا«جل جلاله»و پیغمبر«صلی الله علیه وسلم»، اسلام و ملت وتاریخ خود درک کرده اند. اظهارات شمابیانگر آن است که شمادر سنگردفاع ازارزش های ملی واسلامی خویش آگاهانه نشسته وقدم به قدم قضایای کشورتان را بررسی می نمایید. این ملت به حیث صخره پولادینی است که طوفان ها وامواج هرگز توان برکندن آن را نخواهد داشت.

کاروان بعدازطی مسافت طولانی، به شهرک مرزی تورغندی رسید ویک بار دیگر مقدم رهبر جهاد ومقاومت وامیرمحمد اسماعیل خان گل باران شد.

جناب استاد دراین جا در سخنانی به حاضرین گردهمایی عظیم فرمودند: مادرشرایط فعلی به نکات ذیل نیازمندیم.

- حفظ هویت ملی.
- تامین امیت سراسری که زمینه سازتشکیل دولت مرکزی است.
- بازسازی.

در اینجا علایم بازسازی وشور وشوق مردم برای اعمار مجدد کشور ویران شان بیشتر است. امیدوارم روزی این مسأله در افغانستان سراسری وهمگانی شود.

بعدازصرف طعام چاشت، یک تن ازبزرگان پشتون مقیم ولسوالی تورغندی درحمایت ازامیرمحمداسماعیل خان گفت: من بارها دعاکرده ام که خداوند عمرمن را به امیرصاحب ببخشد چون اگروی نبود، ماهمه لگدمال تروررستان شده بودیم.



استاد هنگام سخنرانی در جمع مردم در شهرک بندری تور غندی

دربازگشت از این دو ولسوالی، جناب استادو امیرصاحب اسماعیل خان وهیأت همراه، مستقیماً، درمحفلی که به افتخار میلادپیامبر صلی الله علیه وسلم از طرف استادان ومحصلان دانشگاه هرات ترتیب یافته بود، اشتراک نمودند.

ابتدا رئیس فاکولته طب هرات، به ارتباط موضوع صحبت نمودو گفت: میلادپیامبر ، میلاد انسانیت بود وصیقل وجدان بشریت ، بشریت ای که تاآن زمان درتاریکی ها وبی عدالتی ها فرورفته بودند وراه صواب نمی یافتند.

موصوف همچنان به حضور بزرگمردان جهاد وسازندگی به مثابه« راهیان خط ناجی بشریت تاکید ورزیدوجود آنها را در این مقطع حساس حیات امت اسلامی یک ضرورت انکار ناپذیر خواند. به تعقیب آن، یک تن ازمحصلان این دانشگاه نیزپیرامون روز میلاد رسول خدا صحبت نموده گفت: شخصیت پیامبراسلام تکرار نخواهد شد، اوتربیه کننده نسلی است که شیشه ناموس عالم دربغل دارند.

وی ازرهبرمحبوب جهاد وقاید صلح وسازندگی خواست تا درتربیه سالم نسل جوان برمعیارهای اسلام توجه بیشتر مبذول دارند سپس رهبرجهاد پیرامون موضوع صحبت نموده ومجدداًمیلاد سرور کائنات محمد«صلی الله علیه وسلم»را تبریک گفتند تولد پیامبرگرامی اسلام میلاد نور است که جهان را ازسقوط درپرتگاه ظلمت وبربریت نجات دادند.

پیغمبر مظهرکامل انسان وانسانیت بود وتوجه خاصی به نسل جوان داشت درجایی می فرمایند:«ای مردم به جوانان توصیه کنید زیرازمانی که به پیغمبری مبعوث شدم، جوانان ازمن پشتیبانی کردند، درحالی که سران قوم قریش بامن ازدرمخالفت پیش آمدند.»

درقسمتی ازبیانیه خویش، جناب استاد فرمودند: میلاد پیامبر پیام آزادی ودرهم شکستن زنجیرهای است که فکرو ضمیر وحیات انسانرا زیرشکنجه نظام های مستبد خورد وخمیرکرده بود.

رهبرجهاد خطاب به جوانان گفت: فعلاُ درمرحله« جدیدی ازحیات کشورقرار داریم باید تمام خود را به اساس تعلیمات دین پیامبر اسلام عیارنماییم. ماازکشورهایی که فرزندان شان را درترکیب نیروهای حافظ صلح درکشورمافرستاده اند، ممنونیم. اما توضیح نکات ذیل رالازم می دانیم:

مسوولان ولایات برای تحکیم امنیت واطاعت ازمرکز آماده اند، مطبوعات ورسانه های جمعی نباید آنرا وارونه جلوه دهند. مطبوعات بیرونی چرامی خواهند ازطریق ایجاد تفرقه بین شمال وجنوب کشور،افغانستان را تخته« مشق بحران هاسازند. ماز انها می خواهیم که باملت ماصادقانه عمل نمایند.

ملت افغانستان حق دارند که حکومت وقانون اساسی خود را بسازند، قانون اساسی نباید درپشت پرده های تاریک مخالف ارزش های ملی وتاریخی ماباشد و شخصیت های مدون آن افراد صالح وخبیربوده باشند.

کشورهایی که علیه نظام های طرفدار تبعیض نژادی مبارزه می نمایند، درکشورمااپارتاید راتقویه نکنند.

لویه جرگه اضطراری شتاب زده بود اگر حوصله مردم مانمی بود این جرگه خود عامل بحران های دیگر درکشور گردیده بود، ماملت خود را می شناسیم، هرفیصله ای که درمورد سرنوشت آنها صورت می گیرد نباید درخارج ازکشور صورت گیرد، جلوگیری ازبحران هاحق مسلم مردم ماست.

به ادامه دیدار رهبرجهاد ومقامت ملی ازمناطق مختلف خطه مرد خیزهرات باستان به تاریخ۲شنبه۱۳۸۲(۲می ۲۰۰۳) ازمنطقه امام شش نور مربوط ولسوالی انجیل که درحال حاضرباداشتن حدود«۸۰۰۰۰۰» باشنده یکی ازپرنفوس ترین ولسوالی های کشور می باشد، دیدن نمودند. منطقه امام شش نور درگذشته یکی ازمراکز عمده جهاد را علیه تجاوز ارتش سرخ تشکیل می داد. کاروان استاد وهیأت همراه شان که امیرمحمد اسماعیل خان نیز آن را همراهی می نمود، درمیان شوروشعف ونعره های تکبیروپاشیدن گل به مکتب صالح آباد رسیدند که جمع بزرگ ازمردم انتظار دیدار وشنیدن ارشادات رهبربزرگ شانرا داشتند. درختم دیدار وبیانیه عالمانه، جناب استاد سنگ تهداب یک، باب کلنیک صحی را درمنطقه شش نور گذاشتند.



خانه جهاد- شهر هرات

قطعنامه اجلاس علمای هرات

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلوه والسلام علی سیدنا محمد امام المرسلین وقائدالمجاهدین وعلی آله واصحابه ومن تبعهم باحسان الی یوم الدین.

قال الله الحکیم فی محکم کتابه وهواصدق القائلین«ومارسلناک الارحمه للعالمین»

استاد عالیقدر ورهبرجهاد ومقاومت کشور، قایدجهاد، امی وصلح وسازندگی، مهمانان عزیزوگرامی، علمای کرام واساتید جلیل القدر، خطبا وائمه شهرهرات و ولسوالی ها!

اجازه دهید اولتر ازهمه به نام امت ختمی مرتبت«صلی الله علیه و سلم» مردم مسلمان کشورومنطقه جنوب غرب به خصوص هرات سرافراز، میلاد مسعود فخر کائنات، منجی بزرگ عالم بشریت رسول رحمت وانسانیت را خدمت یکایک شمابزرگواران تبریک وتهنیت عرض نموده بااقتدا به سنت آن نبی مطهر که جرعه یی ازانگبین رحمت می باشد، سلام علیکم ورحمه الله وبرکاته را تقدیم بداریم.

تاریخ مبارک چندین صدساله ملت مسلمان مانشان ازحضور قوی، ورستاخیز دین درصحنه زندگی ملت ما می دهد، حضوری که باپرچم داری علمای متعهد این کشورآیینه داری گردید.

پرواضح است که علما به عنوان نواب انبیا رسالت ومسوولیتی بس بزرگ در برابر قضایای ملی وبین المللی دارند، همانطور که شخصیت هاورجال علمی کشور که ازحوزه های علمیه دینی رهسپار سنگرها گردیدند ودر پاسخ به ندای«من المومنین رجال صدقوا ماعاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه » شتافتندوجمعی ازآنان به تأسی از «ومنهم من ینتظر» در انتظار ادای رسالت؛ هستند که خداوند برکات وجودشان را برای تعالی وترقی اسلام حفظ بفرماید.

استاد عالیقدر ورهبرجهاد ومقاومت کشور! اصالتاً ازجانب خود ووکالتاً به نمایندگی ازعلمای حاضر، شرف حضورتان را در این جمع کاملاً صمیمی ودینی ودر هفته رحمت ودرکنار محراب منبر منجی بشریت خیرمقدم عرض نموده، کوتاه مطالبی را من باب پیشنهاد به حضرت عالی که چهره شناخته شده بین المللی وملی هستدعرض می دارم.

پیام ماعلما ازشهرانصاری وجامی ورازی وشهرشهدا وبه قول محترم کرزی صاحب رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان شهر امیراسماعیل خان تقدیم تان می شود، امیدواریم درجمع بزرگترها ودولت مردان درکابل وجاهای دیگر جناب سمامنتقل کنید تا خواست دل صادر انجاباز گوگردد.

مابه تأسی ازحکم قرآن کریم وسنت مطهر نبی کریم«صلی الله علیه وسلم » واقوال فقهای عظام وحدت ملی در کشور را ازاهم واجبات دانسته، کوچکترین شکاف واختلاف درصفوف ملت خود را بزرگترین گناه می شماریم ودر راستای تحقق واستحکام هرچه بیشتر پایه های وحدت ملی درکشور ازهیچ گونه تلاش وکوششی فروگذارنیستیم.

علما درشهر علم وفرهنگ وهنرکه گویند: تاریخ هرات فرهنگی است وفرهنگ هرات تاریخی است درسایه رهنمودهای داهیانه قاید جهاد، امیرصلح وبازسازی ازانسجام بسیار بزرگ برخوردار بوده بایک وحدت وهماهنگی کامل درراستای رسالت اسلامی خویش قدم برمی دارند.

علماکه امامان مردم وزبان گویای ملت به شمار می روند، تقاضادارند که مابه چیزی کمتر ازقانون اساسی وحکومت صددرصد اسلامی که روح آن قرآن وتاروپود آن ازسنت مطهر وفقه پویای اسلامی تشکیل یافته باشد راضی نخواهند شد زیرآن اهدف واصول ماست ونقطه یی ازاصول خود عدول نخواهیم کرد.

ماازانتخابات اشخاص بادیانت، صالح ودلسوز برای اداره امور کشورحمایت کامل می نماییم.

مامجاهدین وخانواده شهدا را سرافرازان تاریخ ووارثان جهاد کشوردانسته کوچکترین بی توجهی وبی مهری نسبت به آنان راگناه می دانیم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

به امیدپیروزی نهایی اسلام درسراسر جهان

اسلام دین کامل و جاویدان



نوشتهٔ
استاد
سیدمحمد
موسی توانا

اسلام بـرای آن آمده است که برهمه ادیان مـنحرف و مکاتـب فکری و نظام های اجتماعی دیگـر خـط بطلان بکشد و انسان روی زمین را به پیروی از تعالیم والای خود دعوت کند **(ومن یبـتغ غـیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هوفی الاخرة من الخاسرین»** وهر که غیر از اسـلام دینـی دیگـری بخواهـد مـورد قـبول نیست.و او در اخرت از زیان کاران باشد **الایه.**

وپیامـبر گفته است: **«...لوکان موسی حیا لما و سعه الااتباعی)** اگر موسی زنده می بود جز پیروی من چاره یی نداشت. او کما قال صلی الله علـیه وسلم. دین اسلام مانند مسیحیت مسخ شده نیست که درکنج مسجد محبوس بماند.

اسـلام در هـر جای زندگی حضور دارد و در هـر موضـوعی خـواه بـه طور خاص و مشخص وخـواه بـه طور عام و کلی هدایتی دارد حتی اگر موضـوع کـاملاً جدیـدی هـم بـه مـیان آیـد، دانشـمندان مسـلمان مکلفـند با مطالعه نصوص جزئـی و کلـی و علـل و حکم و اهداف وغایات شـرعی بـرای آن حکمـی تعیـین نمـا یند، و در صـورت وقـوع اخـتلاف در میان علما زمامداران شـرعی دول اسـلامی مـی توانند از میان آرای علمـای اسلامی هر یکی را که باروح و اهداف و کلـیات شـر عـی سازگار تر است ومنافع جامعهء اسـلامی را بر آورده می تواند، برگزینند. به شرط آن کـه از سـاحه نظـریات دانشـمندان اسـلامی بـیرون نـروند و در خدمـت مـنافع اسـتعمار قرار نگـیرند و در هـر تصمیمی تا بع مشورهء عالمان پرهیز گار باشند.

اسـلام مخـالف تمدن و ترقی و پیشرفت علم و معرفـت نیسـت، بـل طـرفدار سرسخت آن هاست.

اسـلام از پیشـرفت علـم نمـی هراسـد، بلکـه از ان اسـتقبال مـی کند وا ما اسلام ترقی و تمدن و علم را در خدمـت عـبادت خـدا و فضیلت و معنویت ومنافع روحی و جسمی جهان بشریت می خواهد.

اسـلام از ایـن مادی گرایی عملی حاکم برفضای مدنیـت کنونـی کـه منافع مادی دیگران را تابع منافع مـادی خـودش مـی دانـد وحتی به فیصله های ملل متحد پای بندی نشان نمی دهد؛ بیزار است.

رحـم و دلسـوزی، ایثار و از خود گذری در راه خدمت به انسان-هر کسی واز هر جایی که باشد، بل به حیوان هم- جزء طبعیت اسلام است.

سـرور عالمـیان فـرموده انـد « **الراحمون یـرحمهم الـرحمان، ار حمـوا مـن فـی الارض یرحمکم من فی السماء».** بـه رحم ورزان خدای رحم کند، رحم ورزید به کسانی که در زمینند آنان که در آسمانند به شما رحم ورزند.

جـای دیگـری فـرمود « **مـن لایـرحم لایرحم».** کسـی که ترحم نمی کند مورد ترحم قرار نمی گیرد.

پـای بـندی بـه عهـد نیز دراسلام از اهمیت خاصی بر خوردار است.

«یا ایها الذین آمنوا او فو بالعقود» الآیه ای مومنان به پیمانه های خود وفا کنید.

«لاایمان لمن لا امانةله و لادین لمن لاعهدله
کسی که امانت دارنیست ایمان ندارد وکسی که پیمان ندارد دین ندارد. الحدیث

آری ایـن آیـین مقـدس به معیار ها و ارزش های دیگران نیز توجه کرده و مسلمانان دانشمند را از مطالعـه و فهم آن ها باز نمی دارد، اما هیچ معـیار و ارزشـی را تا در قالب خودش نریزد و آن را تعدیل نکند، نمی پذیرد.

و اگـر ارزشـی را (مانند عرف) بپذیرد آن را با ارزش های خود عیار کرده و در ساحه محدودی (مانـند نذور و کفارات) و در ساحه فهم مطالب مـردم و در ک تصرفات آنان که از مسایل جزئی قـانون محسـوب می شود حاکم می سازد نه در ساحه های سرنوشت ساز و مهم.

اسلام عبارت است از حکومت خدا(جل جلاله) بـرخلق خـدا، نـه حکومـت مردم بر مردم. حقوق و وجایـب همـه رعایا دولت اسلامی (چه مسلمان و چـه غـیر مسلمان) در کتب اسلامی تعیین گردیده است، نه تنها از مردمان بل از حیوانات نیز.

احکـام اسـلامی همـه منصـوص نیست، بل قسـمت عمـده مسایل فقهی که می توان آن را احکـام قانونی نامید احکام اجتهادی است، احکام نصـی تـا قـابل تغییراسـت. در احکـام اجتهادی علمای اسلامی حق انتخاب و ترجیح را دارند اما طبق معیارهای علمی اسلامی.

شـاید کسـانی این گونه احکام را اهمیت کم بدهـند و تـرک آن هـا و تعویض شان را به خود جایـز بشـمارند ولی این کار برآن معنی است که شـخص بـی آن کـه در علم قانون وارد باشد به خـود حـق دهـد اجـتهاد قانون دانان را از قانون نشـمارد ویـا نظـریات ریاضـی دانـان را از علوم ریاضی حساب نکند.

اسـلام اجتهاد را تشریع و تایید کرده است و این به این معنی است که اسلام احکام اجتهادی را از خود می داند و با آن اهمیت می دهد.

لـذا مسـلمانان مکلفیـت دارند در زندگی شبا روزی، در نظام های اخلاقی، اجتماعی، قضایی و قانونی شان از اسلام تبعیت کنند.

در سـاحه قـانون گذاری —چه قانون اساسی و... —بـاید گفـت که این کار– با مراعات شرایط فعلی و قدرت قلمی علما دینی مان — کار قانون دانـان مسـلمان و علمای مذهبی است: ترتیب و تنظـیم از قانون دانان و محتوی از علما مذهبی. یعنـی قانون باید از اسلام باشد، یعنی می شود از حـدود مذهـب حنفـی نیز بیرون شد به شرط آن کـه این کار از طرف علما متبحر و جامعه شناس صورت بگیرد، چه هر کسی که بینی اش را سیاه کند آهنگر نمی شود.

بـه نظر من هر قانونی که از اسلام (به معنی عـام آن) مـاخوذ شـده توسـط اشـخاص عالم و صاحب ورع مسلمان گرفته شده و به توشیح ولی امـر شـرعی برسد آن قانون قانون اسلامی است —گـرچه در مـیان قوانیـن دول اسـلامی تفاوت هایـی موجود باشد مانع اسلامی بودن هیچ یک از آن ها شده نمی تواند. استفاده از قانون وضعی در تدویـن قـانون مانعی ندارد به شرط این که با حکم اسلامی سازگار باشد.

نظـام حکومـت در اسـلام شـورایی اسـت **"وامرهم شوری بینهم"** آیه کریمه.

وبیعـت بـه ولـی امر مسلمان نیز امری است اسلامی. تـا مـردم بـه رضا و رغبت شان بیعت نکنـند کـار انتخاب ولی امر تمام نمی شود. خلفا راشـد بـه دیـن گونه انتخاب شدند: مشوره اهل رأی ونظر بیعت همگانی و در ملأ عام.

شـتر دزدیـدن و در پشـت کوهـان او پنهان شدن کار درست و معقولی نیست.

نظـام هایـی که به نام خلافت ویا شاهی در عصـور بعـد از عصـر خلافت را شد به میان آمده اسـت از طـرف رسـالت مـآب به نام های ملوک عضـوض (پادشـاهان گـزدند) وملـوک جـبریه (پادشـاهان زورگـیرو زورگـوی) نامـیده شـده اند، گرچه اطاعت از ایشان وجهاد با آنان را پیامبر خدا (ج) لازم دانسـته و جنگ علیه ایشان را منع کرده است. به شرط این که این گونه حکومت ها اسلام را حاکم سازند. در غیر آن اطاعت از مخلوق —که در آن نافرمانی خالق باشد– جواز ندارد.

به هر تقدیر نظام های شاهی در اسلام نظام هـای مثالی (آیده آلی) شده نمی توانند و به نظر مـن نظـام حکومـت اسـلامی بـه نظـام هـای جمهوری قرابت بیستر دارد.

در اخـیر بـاید یـاد اور شد که اسلام با انچه تذکـر داده شد با غیر مسلمانان همیشه در جنگ و جـدال بـه سر نمی برد، احکامی هم در اسلام موجـود اسـت که رابطه دولت اسلامی را با دیگر دولـت ها تنظیم می کند، روی این احکام دولت اسـلامی مـی توانـد بـا دولت های غیر اسلامی روابط خوبی داشته باشد.

و بـر اسـاس قـاعدهء (تبادل منافع) با آن ها روابـط بـر قـرار کند: روابط صلح و آشتی، روابط علمی، تجارتی و...

اسلام این را می خواهد که جلو دعوت اسلامی گرفـته نشـود و مسلمانان مورد تجاوز و توهین قرار نگـیرند. فـتوحات اسلامی در عصور طلایی اسلام این حقیقت را به اثبات رسانیده است.

تـاریخ این حقیقت را نیز ثابت کرده است که تا ملتـی قـوی و آگـاه نباشد پایمال امیال و آرزوهای شوم دیگران می شود، و بر عجز و ناتوانی او هستند کسـانی کـه رحمی نمی کنند، لذا مفکوره جهاد در اسـلام مفکوره به جایی است و نباید بر مسلمانان و اسلام از این لحاظ خورده گرفت.

خـدا —جـل جلالـه– مسـلمانان را از گـزند حـوادث محفـوظ و مصـون دارد. آمیـن یـا رب العالمین.

تظاهر کنندگان در برابر سفارت امریکا ...

ابتدایـی تریـن اقـدام مـورد انـتظار این است که مقامات امریکایی بدون ضیاع وقت به معرفی عاملان ایـن اقـدام تحریک آمیز پرداخته و از طریق مراجع با اعتبار جهانی قاتلان را به محاکمه بسپارند.

تـا از یـک طـرف جلـو خـود سری ها واقدامات مشـابه بعـدی گرفته شود که هر لحظه ودر هرگوشه امکان آن موجود است و از جانب دیگر روابط دوستانه و دیپلماتـیک میان طرفین به مرور زمان دچار آشفتگی نشود.

در گـزارش روزنامـه واشنگتن پست ضمن بحث بر موضوع، تذکر هشدار دهنده یی آمده است:

در ایـن گزارش که رادیو آزادی ساعت یک بعد از ظهر چهارم جوزا نشر کرده است چنین آمده است.

مظاهـره روزشنبه که درظرف تقریباً دوساعت قوت گرفت دومین اعتراضی بودکه از زمان سقوط طالبان به بعد علیه امریکا در کابل صورت گرفته است.

درجـای دیگـر ایـن گزارش آمده است: نذیر می گویـد کـه خسر متقولش یک خانم و شش کودک به جـا گذاشـته است و در عین حال با خشم قابل فهمی عـلاوه کـرد کـه نمـی داند ،نیروهای امریکایی برای تامین امنیت به افغانستان آمده اند یا برای کشتن ما.

واشنگتن پست می افزاید:

"بسـیاری از گـروه هـای مذهبی و قومی گرفتن انتقام خون فردی از افراد مقتول خانواده خود را افتخار می دانند".

امـا حـالا کـه وضـع بـه این ترتیب روز تا روز به وخامـت کشـیده مـی شـود آیـا آمریکایـی ها خود یا پابـندی بـه موازیـن و معـیارهای جهانشمول اعلامیه جهانـی حقـوق بشـر قـاتلان ومرتکبان حادثه را به محاکمه خواهند سپردا؟ یا با عدم توجه به میثاق های مـورد قبول جهانی در این زمینه ، به درخواست جدی و مشـروع تظاهـر کنـندگان بـی اعتنا خواهند ماند! و پاسخی در خور مناسب ارایه نخواهند کرد!؟

بـه هـر روی این وظیفه حکومت افغانستان است که مسأله از راه های قانونی و عدلی پی گیرد تا زمینه را برای تشنج وبحران آماده نسازد.

نوشتهٔ دکتر عبدالحلیم غویس   ترجمهٔ فضل الرحمن فاضل

نقش تعصب قومی در سقوط دولت اسلامی اندلس (هسپانیه)

قسمت دهم

بـا استحکام اوضاع، یوسف فهری در مقابل یحیی بن حریث از غدر کار گرفت واو را از وظیفه اش عزل کرد. ابن حریث خشمگین گـردید ونامـه ای بـه «ابوالخطار» شاعر که ریاست قحطانی ها را برعهده داشت وقبلاً از قدرت خلع شده بود نوشت، ابوالخطار حرف ابـن حریـث را نپذیرفته، خواهان امارت برای خویشتن گردید قبیله های حمیر، کنده ویمنی های اندلس به نفع ابوالخطار ومضر وربیعه در پهلـوی یوسـف فهری در پایتخت اندلس قرار گرفتند رویارویی میان هر دو مخالف در «شقنده» به وقوع پیوست.

صـمیل فـرزند ابوحـاتم کـه از سـران قبیله مضر بود، با یوسف فهـری همکـاری داشـت.صـمیل همـان کسـی اسـت که مردم از اوخواسـتند بـه علت مشغولیت های امیر المومنین مروان بن محمد خلـیفه امـوی کـه در شـرق است ودر فاصلهء دوری از ایشان قرار دارد، او یـک نفـر را بـه حیـث والـی برگزیـند. صـمیل یوسف بن عبدالرحمـن بن حبیب را برای شان برگزید. اما در این مسأله میان مضـری هـا ویمنـی هـا اخـتلاف پدیـد آمد. یمنی ها از ابوالخطار طـرفداری کـرده واز سراسر کشور جمع شده به سوی قرطبه جهت پایـان دادن بـه سـلطه یوسـف فهـری حرکـت کردند، صمیل بن ابوحـاتم ویوسف فهری در شقنده علیه ابوالخطار ولشکریانش صف آرایـی کـردند. جـنگ عظیمـی در گرفـت کـه جـز شـیههء اسپان وچکاوک شمشیرها چیز دیگری به گوش نمی رسید. مورخین گفته انـد که بعد از جنگ های جمل وصفین این جنگ بزرگترین جنگ میان مسلمین بوده است. یمنی ها همراه با ابوالخطار شکست یافته وفـرار کـردند. ابوالخطـار به آسایی پناه برد که در آنجا دستگیر شد وبـه قـتل رسید وبه این ترتیب جنگ با همه مظاهرتعصبات بغیض نژادی اش که از روح حقیقی اسلام وبرادری اسلامی فاصله داشت، به پایان رسید.

ابـن عـذاری مـورخ بـه صحنه ای از نژاد پرستی در این جنگ اشـاره مـی کـند وآن ایـنکه وقتـی کـه عدنانی ها، ابوالخطار رهبر قحطانـی ها را دستگیر کردند، خواستند او را به قتل برسانند، گفت: «مـن در اختـیار شـما قـرار دارم مـتوجه پسـر زن سیاه باشید» که هدفـش ابـن حریـث بود. ابوالخطار اوشان را به محل بود وباش او رهنمایی کرد وهر دو به قتل رسیدند.

ابن حریث همان کسی است که می گفت: اگر خون های اهالی شام قابل نوشیدن می بود، آن را در جامی سر می کشیدم.

ابـن حریـث وقتی که از زیر خانهء آسیاب برون کرده می شـد، ابوالخطار برایش گفت: ای پسر زن سیاه! آیا در جامت چیزی مانده که نه نوشیده باشی؟ سپس اسیران دیگر احضار شـدند. صـمیل دست وآستین را بالا کرد وهمه را گردن زد. در سـال دوم جنگ، طاعونی در اندلس بیداد کرد که نزدیک بود اهالی اش منقرض گردند.

ایـن بـود مـرحلهء اول برتـری خواهـی نژادی در اندلس که در عصـر اول فـتح اسـلامی، یعنـی بعد از سال ۹۳ هجری قمری که یـک دهه هم از ورود مسلمانان به آن دیار سپری نمی گشت، آغاز شـد وتـا بر پایی دولت اموی در سال ۱۳۸ هجری قمری به دست مـرد ماجـراجو وشـگفت انگیزی به نام عبدالرحمن داخل ملقب به شـاهین قـریش ادامـه یافـت. ایـن عصـر را که از سال۹۳ هجری قمـری آغـاز ودر سـال ۱۳۸ هجری قمری پایان می پذیرد، به نام عصـر والـیان یـاد مـی کنـند. اما بهتر است به خاطر وجود پدیدهء خبیـث نژادگرایی آن را عصر فتنه ها واضطرابات ولجام گسیختگی ها در اندلس نامید.

در اندلس این زمان امرای زیادی یکی پی دیگری فرمان راندند که برخی از مرکز خلافت اموی معرفی شدند ویا فرمانروایان خلیفه در مصـر ومـراکش آنـان را برگـزیدند وبرخـی دو بـار هم بر سریر امارت اندلس تکیه زدند.

نصرانیان در این عصر نیرویی در مسلمانان نمی دیدند تا احترام شان نمایند. هم چنان در این روش های عشایری وقبیلوی،صورت زیـبا وکـریمانه ای را کـه از مـبادی اسـلام شـنیده بودند، نیافتند. کسـانی کـه بـه اسـلام گرویده بودند از اخلاق دعوتگران وعامیان امت وبی طرفان در جنگ های نژادی، اثر پذیر شده بودند.

غـیر مسـلمان هـا در ایـن عصـر بـه تجارت وتحصیل ودانش رواوردنـد ودر ایـن دو ساحه یعنی علم واقتصاد سر آمد روزگار خود گـردیدند. امـا مسـلمانان مشـغول جـنگ هـای نژاد پرستانه بودند وسران عرب مصروف زعامت وفرمانروایی.

ادامه دارد

آیا ایران می تواند با القاعده رابطه داشته باشد؟!

ابوبکر سبزوار

دراین اواخر دولت ایالات متحده آمریکا اتهاماتی را در مورد رابطهٔ ایران با سازمان القاعده مطرح کرده است. قبل از حملهٔ امریکا به عراق عین اتهام از جانب قصر سفید به عراق نیز وارد آمد ولی پس از اشغال عراق مقامات امریکایی نتوانستند سندی مبنی بر حضور سازمان القاعده در عراق به جهانیان ارائه نمایند. اکنون که پای ایران به این قضیه کشیده می شود این سوال مطرح است که آیا این اتهام صحت دارد ویا این که قصد امریکا فقط وارد آوردن فشار بر ایران است؟

بدون تردید در هر کشور اسلامی حلقه های معینی وجود دارند که متمایل به خشونتند هر چند چنین گرایش ها را نباید منحصر به کشور های اسلامی دانست چنین گرایش ها در بین کشور های غیر اسلامی نیز وجود دارد. در ایران به عنوان یک کشور اسلامی شاید در حلقات کوچکی چنین احساس و تمایل را بتوان یافت ولی باید دید که ایا سازمان القاعده از نظر فکری وایدئولوژیک می تواند از حمایتی در سطح گسترده بر خوردار باشد وبه خصوص در سطح دولت؟ ایا دست یابی به چنین حمایتی ممکن است ویاخیر؟

اساس سازمان القاعده در پیشاور به این علت نهاده شد تا کار تنظیم جوانان عرب را که غرض جهاد به افغانستان می رفتند به عهده گیرد زیرا در آغاز دهه ۸۰ میلادی کثرت تعداد این مجاهدان ایجاب چنین تشکلی را می نمود. این سازمان قاعده الانصار نام گرفت که در ابتدا چند ساختمان را در پشاور برای اسکان این مجاهدان اختصاص داده بود.

ایران از همان آغاز ، ورود این جوانان عرب به صحنهٔ جهاد افغانستان را دسیسه یی از جانب کشور های نفت خیز عرب که ایران با آنها روابط حسنه نداشت، می دانست و با آنان مخالف بود. در مقابل مجاهدان عرب نیز هیچگاه با ایران رابطه یی نداشتند. اصولاً دراین رابطه اختلاف مذهبی واندیشگی قابل دقت است.

بر عکس درُ همان زمان مجاهدان عرب با مخالفان دولت ایران که بیشتر اهل سنت بودند رابطه داشتند بعضی افراد از اقوام کرد و بلوچ وحتی ترکمن به پاکستان آمدند و آنها نیز از طرف مکتب الخدمات و قاعده الانصار تنظیم شدند آنان برخی از نشرات از جلمه مجله یی به نام (آذان مجاهد) را در پیشاور منتشر می کردند که به کمک مالی مکتب الخدمات به نشر می رسید اما مجاهدان عرب با آن دسته از مخالان جمهوری اسلامی که غیر مذهبی بودند رابطه یی نداشتند.

ایران در دوران جهاد با اتحاد اسلامی به رهبری استاد سیاف رابطه حسنه نداشت مقالات فراوان در آن زمان در مطبوعات ایران علیه وهابیت به نشر می رسید که استاد سیاف به علت نزدیکی به عربها بیش از هر رهبر دیگر در مطبوعات ایران به اتهام "وهابی بودن" مواجه بود.

پس از سقوط رژیم دکتر نجیب وبه قدرت رسیدن مجاهدان که جنگ داخلی آغاز شد، اتحاد اسلامی به عنوان بزرگترین دشمن حزب وحدت اسلامی به شمار آمد. وحدت از حمایت ایران بر خوردار بود درحالی که استاد سیاف وسازمان وی به نزدیکی با کشور های عرب مخالف ایران شهرت داشت.

این جنگ های خونین به کشته شدن عدهٔ کثیری از دو طرف انجامید و دولت استادربانی در آن زمان ایران را به مداخله درامور داخلی افغانستان متهم کرد. در آن زمان نیز عده یی از عربها در افغانستان وجود داشتند که روزنامه ها در ایران این عرب ها را در جنگ با حزب وحدت و حتی اهل تشیع در افغانستان مستقیماً دخیل می دانستند.

روابط ایران با دولت استاد ربانی تا آخرین روز های عمر آن رژیم بهبود قابل ملاحظه نیافت و پس از سقوط و حاکمیت طالبان در افغانستان ، ایران مجبور شد تا در برابر دشمن جدید به حمایت مخالفان طالبان بپردازد .

آمدن اسامه بن لادن به افغانستان در سال ۱۹۹۶ هر گز مورد تایید ایران واقع نشد. هر چند ایران در آن زمان قونسلگری خویش در جلال آباد را افتتاح نموده بود ولی یکی از اهداف این قونسلگری دادن گزارش در مورد تحرکات عربها در مرزهای شرقی افغانستان به تهران بود.

روابط میان ایران و طالبان از همان آغاز سرد و تیره بود. طالبان سفر های علاألدین بروجردی به شمال افغانستان را مداخلهٔ مستقیم در امور داخلی افغانستان می دانستند و سر انجام خرابی روابط با بسته شدن سفارت ایران در کابل توسط طالبان به اوجش رسید.

تبلیغات ایران علیه طالبان از طریق رادیوهای برون مرزی آن کشور موجب خشم شدید طالبان گردید و سرانجام حمله دوم طالبان به مزارشریف به کشته شدن هشت دیلومات ویک خبرنگار ایرانی در آن شهر منجر گردید و طالبان را با ایران در آستانه جنگ قرار داد.

بعد از به پایان رسیدن بحران روابط میان طالبان و ایران، طالبان رسماً اعلام نمودند که اگر ایران به مداخله در امور داخلی افغانستان ادامه بدهد آنها نیز مخالفان نظام جمهوری اسلامی را مورد حمایت خود قرار خواهند داد. در همان موقع اسامه بن لادن از از طریق هرات ونیمروز با داخل ایران رابطه داشت تا گردهمایی مخالفان جمهوری اسلامی از اهل سنت ایران را تقویت و به جنگ با ایران تشویق نماید.

مولوی محمد موسی یکی از روحانیون اهل سنت در ایران و امام مسجد شیخ فیض در مشهد (مسجد اهل سنت در مشهد که از بین برده شد) به هرات آمد و سازمانی به نام (الفرقان) را اساس نهاد. در اینجا بزرگترین خطر از جانب القاعده متوجه ایران گردید. بر خورد در مناطق مرزی که به کشته شدن عده یی از نظامیان ایران منجر گردید ابعاد این خطر را به خوبی مشخص نمود. هر چند ایران این بر خورد ها را به قاچاقچیان مواد مخدر و تحرکات آنان در مرز رابطه می داد. سرانجام با انفجاری در نزدیک مسجد جامع هرات که به کشته شدن مولوی محمد موسی منجر گردید، رابطهٔ ایران و طالبان و طبعاً القاعده را بیش از پیش تیره ساخت. هر چند عدهٔ زیادی از افراد القاعده از طریق ایران به افغانستان می امدند ولی این کار به شکل پنهانی و با کمک گروههای قاچاقچی و افراد رابط القاعده در مرز ایران وافغانستان صورت می گرفت که با رژیم ایران مخالف بودند با چنین سابقه یی از روابط میان جمهوری اسلامی ایران، طالبان و القاعده که در آن هیچ نقطهٔ مشترک و هیچ نشانی از اشتراک منافع میان دو طرف دیده نمی شود می توان به صراحت گفت که این ادعا که ایران افراد القاعده را در خاک خود پناه داده باشد. فوق العاده بعید و دور از امکان است اما اگر عناصری از القاعده در مناطق مرزی ایران با افغانستان پناه گرفته باشند این مسأله بیش ا زاین که برای آمریکا خطر ناک باشد برای ایران خطرناک است و طبعاً دولت ایران حاضر به قبول چنین خطری نخواهد بود.

ملت جوړول له ملي وحدت پرته ...

افغانان دینداره او خپلواکي غوښتونکي خلك دي او دائي نړیوالو ته ثابته کړه چي ددوي ایمان او عزم له پرمختللي تکنولوژي نه ډیر اوچت دي نوله شمال نه تر جنوب پوري ټول افغانان باید د ملي یووالي تر بیرغ لاندي راټول شي او د هیواد دبیارغاوني لپاره د همت ملاوتړي.

همدارنګه د جهاد او مقاومت لاړښود استاد رباني د کندهار په ولایت کي د بي ساري اسقبال او هر کلي وروسته د هلمند ولایت ته تشریف یووړ او دهغه ولایت د لویانو او مشرانو له تود او بي ساري هرکلي وروسته چي په زیاترو سیمو کي د خلکو او دښوونځیو د زده کوونکو له خوا په ګلګچکو او د ګلونو په شیندلو بدرګه کیده د هغه ولایت د لښکرګاه فابریکي خیني تولدیدي برخي وکتلي اوروسته ئي په هغي غونډه کي برخه واخیسته چي ددوي په ویاړ د هلمند ولایت د ځوانو په لیسه کي جوړه شوي وه دوي دهغه ولایت د والي له خبرو وروسته ځرګنده کړه هلمند د جهاد دپیاوړي سنګر دي ، زه داسي فکر کوم چي خپل کوزته راغلي یم زه تاسو ته یو ځل بیا سپارښتنه کوم چي د ملي وحدت په تامین سره باید دشمال او جنوب د خلکو د هر ډول ناوړه تفاهماتو مخه ونیسي او د هیواد د ځمکني بشپړتیا . خپلواکي او سراسري سوکالي دد ښمنانو په وړاندي یو موټي شي .

موږ د هیواد جنوبي ولایتونو ته دجهاد او مقاومت دلاړښود استاد رباني سفر که له یوي خوا د هر ډول قومي. سمتي اوتنظیمي بیلوالي پر خلاف یو نیك اورغنده ګام بولو نو له بلي خوا دا قضاوت هم کولاي شو چي ملي مشران تل په پراخو پرګنو تکیه کوي له هغوي نه ملاتړ او قوت تر لاسه کوي او له هغوي ته هم د رهبري او مشرتوب امتیازات .

نن هغه مشران په ملي او نړیواله سطحه سر لوړي بلل کیږي چي د خلکو مینځ ته ننوځي،د هغوي ستونزي او مشکلات وڅیړي او هغوي ته د ملي وحدت. ملي وروري او ملي تفاهم لوړ درسونه او ذهنیت ورکړي .

موږ د کندهار او هلمند ولایت ته داستاد رباني په زړه پوري سفر او د هغه ځاي له اداري . پوځي مسئولینو او قومي مشرانو سره ګټوري خبري او د نظر راکړه ورکړه ددوي د زعامت او پوهي بیلګه بولو او پدي باور یوو چي د استاد دغه سفر د ملي یووالي په ټینګښت او د وروڼو قومونو تر مینځ د نیك تفاهم او یو بل ته د درناوي لپاره لاره خلاصه کړه او هم د افغانستان د ملي وحدت سولي او ثبات او بیارغاوني دښمنان او د هغوي رواني توطئي او دسیسي ئي له شندیدو سره مخامخ کړي او دائي په عمل کي وښودله چي ملي رهبران او ددین جید عالمان دیو قوم یا یو سمت کسان نه بلکي د ټول هیواد ویاړ او د وحدت سمبول دي . موږ د محترم استاد رباني صاحب له سفرنه دا هیله لرو چي دغه سفر به زموږ د شمال او جنوب ختیځ او لویدیځ د اوسیدونکو ترمنځ د حسن تفاهم او وروي مزي لاپسي ټینګ کړي او د ملي وحدت دبشپړه تامین لاره به اواره کړي .

انشاءالله وتعالي

سقوط هواپیمای حامل عساکر حافظ صلح در افغانستان



یک هواپیمای مسافربری حامل بیش از شصت تن از نظامیان اسپانیایی عضو نیروهای حافظ صلح در افغانستان – ایساف – در نزدیکی بندر طرابوزان، واقع در سواحل دریای سیاه در شمال شرق ترکیه، سقوط کرده است.

در این حادثه چهل تن از سربازان اسپانیایی، بیست و یک تن از افراد نیروی هوایی و یک محافظ غیرنظامی هواپیما جان خود را از دست داده اند.

دوازده خدمه اوکراینی هواپیمای مسافربری نوع یاک-۴۲ نیز کشته شده اند.

گفته می شود که هواپیما هنگامی به زمین برخورد کرد که خلبان برای سومین بار تلاش می کرد به منظور سوخت گیری در فرودگاه به زمین بنشیند اما موفق به دیدن باند فرودگاه نشد.

سربازان اسپانیایی پس از سه ماه ماموریت به عنوان اعضای ایساف در کابل عازم کشور خود بودند.

هواپیما در مسیر خود از کابل به شهر زاراگوزا، در اسپانیا، قبلا در فرودگاه بیشکک، پایتخت قرقیزستان نیز سوختگیری کرده بود. دولت افغانستان مراتب تسلیت خود را به مناسبت این سانحه هوایی رسماً اعلام داشته است.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند خدا آنان را به راه خویش هدایت می کند [illegible] خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره بیست وهشتم چهارشنبه ۷ جوزا ۱۳۸۲ - ۲۸ ربیع الاول ۱٤۲٤ - 28 May 2003

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

پیام جمعیت اسلامی...

وتمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور ، در برابر نیرو های توسعه جوی امپراتوری داس و چکش، مردانه مقاومت نماید و مکتبی اسارت آور را از صفحه هستی نابودکند و پرچم آزادگی و ازادی را بر فراز این مرزوبوم لگدمال شده توسط ارتشیان متجاوز الحاد واستبداد وبیگانه گرایی به اهتزار در آورد.

مکتب فکری کمونیزم در دهه های اخیرعمر نامیمون خود نه تنها کشور ما ومنطقه را که جهان را به چالش گرفته بود، در روشنایی فرهنگ شهید وشهادت، نوش پیروزی آن به نیش تبدیل گردید.

آری! در آن وقت که همه نازپروردگان تنعم این کشور ازبد حادثه آمده توسط مزدوران ناخلف ان به گوشه هایی رفته و درلانه ها خزیده بودند راستین فرزندان این میهن و پیش مرگان تربیت یافته در دامن فرهنگ شهادت چون شب چراغ ها شبستان استبداد کمونیزم و مزدوران آن را چلچراغ کردند و باخون های پاک خویش درخت تبر خوردهٔ آزادی را آبیاری نمودند.

داستان قهرمانی سیداکبر شهید در زندان پلچرخی در بستر چنین فرهنگی رشد کرد و نهضت حسینی یکصدو پنجاه تن از پیشگامان نهضت اسلامی کشور به سرکردگی پوهاند نیازی شهید ، دربرابر جلادان نظام مزدور و دژخیمان آن درجوزای سال ۱۳۵۸ ، خود رسته گلی است سرزده از این بوستان آزادی و آزادی خواهی.

در روشنایی چنین شب چراغ های روغن گرفته از فرهنگ شهادت بود که ملت مسلمان ما آماده دادن ملیون ها شهید در برابر توسعه جویی ها و قلدری های امپراتوری داس وچکش و تروریزم تربیه یافته در دامان شرکت های اقتصادی شد وبازور اراده و ایمان خویش مشت آنان را باز کرد.

اکنون که هفته شهید است و کشور آزاده ما که به بهای خون های پاک شهیدان راه آرمان وتجاوز ستیزی و تروریزم زدایی شاهد ازادی و امینت را در آغوش کشیده است، چالش های دیگری در برابر نیروهای آزادیبخش این ملت قرار گرفته است. دشمنان ازادی و افتخارات این سرزمین امروز باکم ارزش خواندن این فداکاری ها می خواهند روح ایثار گری ومقاومت را در نسل های امروز و فردای مابکشند وسر سرافراختگی شهیدان این ملت انتقام بگیرند.

جمعیت در حالی که سالگرد هفته شهید را به همه هموطنان خویش تبریک می گوید از همه پروردگان این آب وخاک که دچار مسخ هویت نگردیده اند صادقانه می طلبد که نگذارند در عرصه عملکرد های ناعاقبت اندیشانه، خود موجب بروز بحران هایی دیگر شوند و دشمنان حیثیت وغرور ملی این کشور از این آب های گل آلود ماهی قزل آلا گیرند.


شهید دکتر محمدعمر


شهید ذبیح الله


شهید محمد جان احمدزی


شهید علاوالدین خان


شهید سید نجم الدین واثق


شهید قاضی اسلام الدین


شهید ارین پور


شهید صفی الله افضلی


شهید محمد اسماعیل طارق


شهید عبدالعزیز مراد


شهید سیف الله


شهید معلم نیک محمد

تظاهر کنندگان در برابر سفارت امریکا خواستار محاکمه قاتلان سربازان افغانستان گردیدند

علی کوهستانی

روز شنبه هفته گذشته به تعقیب کشته شدن چهار نظامی افغان به دست سربازان امریکایی در مقابل سفارت امریکا حدود سه صد تن جوانان خشمگین و اعضای خانواده مقتولین دست به تظاهرات زدند.

تظاهر کنندگان با پرتاب سنگ به جانب سفارت امریکا خشم و نفرت خود را نسبت به حادثه خونین روز گذشته نشان دادند و در عین حال با حمل شعار ها و اظهارات خشمگینانه خواستار محاکمهٔ عاملان این حادثه گردیدند.

حادثه زمانی رخ داد که سربازان وابسته به اردوی افغانستان مصروف حمل و نقل وسایل وتجهیزات شان بودند و قرار اظهارات مسؤولان این گروه سربازان افغانستان مقامات سفارت امریکا در جریان موضوع قرار داشتند.

در چنین فرصتی نیروهای امریکایی مستقر در مواضع شان که در داخل سفارت واقع است دست به سلاح بردند وساحه مقابل دروازه قطعهٔ نظامی منسوب به اردوی ملی افغانستان را زیر آتیش گرفتند که در نتیجه چهار منسوب اردوی افغانستان به شهادت رسیدند.

جالب توجه است که مقامات سفارت امریکا گفته اند در این زمینه هیچ گونه هدایتی به سربازان امریکایی داده نشده بود و آنها خود دست به چنین اقدامی خونین زده اند.

در عین حال وزیر داخله آقای علی احمد جلالی اعلام کرد :از جانب سربازان افغانستان هیچ اقدامی بر ضد سربازان امریکایی قبل از حمله و نه بعد از آن صورت نگرفته است وقابل دقت است که سلاح های دست داشته سربازان مقتول نیز فاقد مرمی بوده است.

تظاهرات مردم خشمگین در حالی به جاده ها کشیده شد که سربازان امریکایی با آرامی ناظر عکس العمل مردم کابل بودند و موتر حامل نیروهای ایساف مورد حمله تظاهر کنندگان قرار گرفت.

ناظرین سیاسی و اهل خبره به این باورند که این موضوع به یک گره پیچیده در دیپلماسی افغانستان تبدیل گردیده است و گمان نمی رود که مرهم گذاری به زخم های خانواده های مقتولان و احساسات جریحه دار مردم معترض کار آسانی باشد.

ص٦

په کندهار کی د طالبانو دری تنه تروریستان ونیول شول

د کندهار ښار په جنوب کي امنيتي چارواکو يوموټر چي خمکني ماينونه او چاوديدونکي مواد په کي بارو، سره له دري تنو نيولي دي.

نيول شويو کسانو ظاهراً منلي ده چي دښار شاوخوا چاودنو کي ئي لاس درلود. له بلي خوا د بهرنيو چارو وزير ډاکتر عبدالله ديو خبري کنفرانس په ترڅ کي ويلي دي:

دغو کسانو په کندهار کي په حکومتي اداروباندي دبريد نيت درلود. په نيول شويو کسانو کي د ملاجانان په نامه دطالبانو يو تن مشر هم شته چي نوموړي د القاعدي له ډلي سره نږدي اړيکي درلودلي

کندهار کي چارواکو ويلي دي چي ملاجانان د طالبانو د رژيم کوم يوخي يا سياسي مشر نه وه خو ځيني نور رپوټونه وايي! چي نوموړي يو وخت دهرات ښار ته څيرمه د طالبانو ديوي فرقي قوماندان وه.

پاچاخان ځدران :

تر څو د پکتيا والي نه شم ستونزه به حل نه شي

دافغانستان د اسلامي انتقالي دولت دفرمان له مخي ښاغلي اسدالله (وفا) دغزني ولايت پخواني والي د پکتيا ولايت د نوي والي په توګه وټاکل شو.

د افغان اسلامي اژانس د خبر له مخي په پکتيا کي د کرزي د حکومت يو تن مخالف قوماندان پاچاخان ځدران ګواښ کړي دي چي د نوي والي ټاکنه به دده په تګ لاره کي کوم بدلون رانه ولي او مرکزي حکومت به په رسميت ونه پيژني.

ده ويلي دي : تر څو چي د پکتيا ولايت د قدرت ټولي چاري په خپل لاس کي ونه نيسي د نوموړي ولايت ستونزي به حل نه شي. د يادوني وړ ده چي د پاچاخان ځدران ټوپك والاو د پکتيا ،خوست، او پکتيکا د شاوخوا سيمو امنيت تر ګواښ لاندي راوستلي دي.